



اقتصاد و معماری: تأثیر اوضاع اقتصادی ایران دوره قاجار بر الگوهای معماری و شهرسازی

الهام زمانی ^۱ ID، سید بهشید حسینی ^۲ ID، حسین ذبیحی ^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران، zamani45@email.com

^۲ (نویسنده مسئول) استاد تمام گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران، behshih124@yahoo.com

^۳ دانشیار گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Zabih116@yahoo.com

چکیده

ورود سرمایه داری به ایران با تغییرات گسترده در نظام اقتصادی همراه بود. در حالی که ساختار تولید کشور در اوایل دوره قاجار مبتنی بر تولید محصولات کشاورزی و صنایع دستی و صادرات آن بود، در اواخر با زوال و آسیب دیدگی جدی کشور را به یک واردات کننده بزرگ از کشورهای اروپایی و روسیه تبدیل کرد. با تعطیلی کارخانه های داخلی، تلاش ها برای درونی کردن سرمایه داری به شکست انجامید و عدم توانایی بخش خصوصی در رقابت با سرمایه داری خارجی منجر به سودآوری تجارت مبتنی بر واردات و رانت شد. نتیجه این اتفاقات بر معماری و شهرسازی کشور بر دو مسئله قابل مشاهده بود. یکی افزایش جمعیت شهرها و نیاز به توسعه آن ها که با خیابان کشی های جدید و حضور بناهایی با عملکردهای نوین همراه بود. اتفاقی که به بورس بازی زمین منجر شد و بر جدایی طبقات اجتماعی تأکید نمود. دوم تأثیر غیرمستقیم سرمایه داری خارجی که به حضور اتباع اروپایی در شهرهای ایران انجامید و به روند آشنایی ایرانیان با فرهنگ و مظاهر تمدن غربی شدت بیشتری بخشید. در این تحقیق با روش های تفسیری-تاریخی و استدلال منطقی به ارتباط متقابل میان وضعیت اقتصادی و تحولات معماری و شهرسازی شهرهای ایران در دوره قاجار پرداخته شده است. یافته های پژوهش حاکی از این است که این فراگرد نه تنها بر شکل شهرها و سیمای ساختمان ها تأثیرگذار است بلکه با مقنضیات سیاسی-اجتماعی و فرهنگی گسترده ای همراه شد که همین پیامدهای آن را پیچیده تر و تأثیرگذاری اش را بیشتر کرده بود.

اهداف پژوهش

۱. بررسی چگونگی تأثیرات شرایط اقتصادی دوره قاجار بر تحولات شهرهای ایران.

۲. بازشناسی الگوهای معماری به کار رفته تحت تأثیر تحولات اقتصادی دوره قاجار.

سوالات پژوهش

۱. شرایط اقتصادی و مشخصاً جریان های سرمایه داری دوره قاجار تا چه حد بر تحولات شهرهای ایران مؤثر بوده است؟

۲. الگوهای معماری به کار رفته در دوره قاجار تا چه حد تحت تأثیر شرایط اقتصادی این دوره قرار داشته اند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۲

دوره ۱۸

صفحه ۱۸۸ الی ۲۰۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

معماری و شهرسازی، تحولات اقتصادی دوره قاجار، سرمایه، شکل شهر.

ارجاع به این مقاله

زمانی، الهام، حسینی، سید بهشید، ذبیحی، حسین. (۱۴۰۰). اقتصاد و معماری: تأثیر اوضاع اقتصادی ایران دوره قاجار بر الگوهای معماری و شهرسازی. هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۱۸۸-۲۰۲.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.42.12,3](https://doi.org/10.22034/IAS.1735708.1400.18.42.123)



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.301956.1705



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

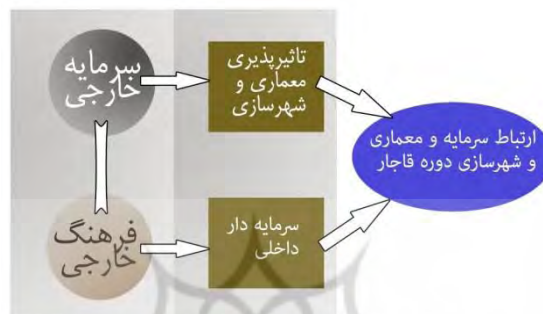
مقدمه

انقلاب صنعتی به‌مثابه سکوی پرتابی بود که جهان را به دوره تازه‌ای از اقتصاد، سیاست و روابط اجتماعی وارد کرد. ظهور جریان‌های سرمایه‌داری و تقسیم جهان به دو بخش نابرابر استعمارگر و تحت استعمار، صحنه بروز کشمکش‌ها و رقابت‌های بسیاری میان این دول و سایر ملت‌ها شد. تلاش‌ها برای سیطره همه‌جانبه بر منابع طبیعی و بازارهای مصرف کشورهای گروه دوم، این گروه از کشورها را نیز دچار دگرگونی‌های جدی در مواجهه با این جریان کرد. ایران یکی از کشورهایی بود که به دلیل فرارگیری در موقعیت ژئوپلیتیک خاص که شامل همسایگی با دولت استعمارگر روسیه، موقعیت دسترسی به آب‌های آزاد و همسایگی با هند تحت استعمار انگلستان می‌شد، خیلی زود تحت تأثیر جریان‌های اواسط قرون نوزده میلادی قرار گرفت. با توجه به این تحولات، سازمان فضایی شهرها را نسبت به قبل دستخوش تغییر کرد؛ چراکه ارزش‌های جدیدی جای زمینی را که در قرون وسطی منشاء اقتدار اشخاص بود، گرفته بود؛ بنابراین ساختار اقتصادی ایران که مبتنی بر طبقه‌بندی اقدار به کشاورزان، پیشه‌وران، تجار، روحانیون و طبقه حاکمه طبقه‌بندی می‌شد، تحت تأثیر جریان‌های سرمایه‌داری وارد شده از غرب قرار گرفت. فشار تولیدات ارزان قیمت مراکز صنعتی اروپایی که همراه با حمایت و اعمال فشار همه‌جانبه دولت‌های مطبوع‌شان همراه بود، نظام تولید و عرضه سنتی را به شدت تحت فشار قرار داد و آن را دچار دگرگونی‌های جدی کرد. بدین ترتیب ایران در اواسط قرن نوزدهم خود را برای ورود به دوران جدیدی آماده می‌کرد؛ دورانی که در آن سرمایه‌داری داخلی باید در رقابت با سرمایه‌داری خارجی قرار می‌گرفت و افزایش قابل اعتنای جمعیت شهرها، بخشی ناشی از مهاجرت روستائیان به دلیل آسیب ساختار تولید زراعی و بخشی به دلیل افزایش طبیعی جمعیت ناشی از پیشرفت‌های متأثر از دنیای مدرن، به لحاظ نظام شهرسازی و معماری، پایتخت و شهرهای بزرگ را در موقعیتی جدید قرار می‌داد. باین‌همه بررسی و تحلیل شرایط اقتصادی ایران در اواخر دوره قاجار (عملاً از اواسط سلطنت ناصرالدین شاه به بعد) و میزان تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم آن می‌تواند نکات قابل اعتنای جدیدی را از تحولات شهرسازی و معماری ایران پیش از ورود همه‌جانبه اندیشه‌های مدرن دوره پهلوی برجسته سازد و درک کامل‌تری از بستر اجتماعی-سیاسی آن دوران به دست دهد.

هرچند تعدادی از متفکران عمدتاً متعلق به جریان چپ همچون دیوید هاروی، به بررسی ارتباط میان سرمایه و شهرسازی پرداخته‌اند؛ اما علاوه بر اینکه رویکرد آنان انتقادی و در رد وضعیت موجود است، دامنه تحقیقات‌شان نیز به دوران پس از فوردیسم و اثرات آن بر نئولیبرالیسم رایج در قرن بیستم معطوف است. در ایران نیز جز سیدمحسن حبیبی که به‌طور مشخص در کتاب *شار تا شهر* و به‌شکل پراکنده در تعدادی از مقالاتش اشاراتی به رابطه سرمایه‌داری سنتی و غربی با شهرسازی دوره قاجار (و همین‌طور دوره معاصر) داشته، می‌توان گفت که محقق دیگری به این مسئله نپرداخته است. هرچند که اثر حبیبی نیز با گذشت زمان نیازمند بازنگری‌هایی است. به‌خصوص که وی دیدگاه کلی‌تری دارد و بیشتر بر سویه‌های سیاسی-اجتماعی قضیه تکیه می‌کند تا بر جنبه‌های اقتصادی آن. مقیدکردن دامنه بحث به تحولات سبکی (که اساس نیز توسط مؤلف مطرح شده است) باعث شده تا تغییرات و تأثیرات در زمینه سبک‌های اصفهان و تهران بررسی شود که خود از دقت آن می‌کاهد؛ بنابراین لزوم بررسی دقیق‌تر موضوع پژوهش احساس

می‌شود. به شکلی که بتوان با دقت نظر بیشتری به ارتباط میان مفاهیم پرداخت و با اتخاذ رویه‌ای مبتنی بر شواهد تاریخی و واقعیت‌های عینی، بتوان تصویری واضح از موضوع بحث را ارائه کرد.

پژوهش از نوع کیفی است که براساس راهبرد تفسیری-تاریخی و متکی بر تدابیر کتابخانه‌ای تنظیم شده است. با توجه به فقدان آمارهای جامع و قابل استناد اقتصادی در زمینه تاریخی، از اسناد تاریخی به‌خصوص مراسلات و نامه‌نگاری‌ها که می‌توانند در کنار آمارهای منتشرشده، درک صحیح‌تری از شرایط واقعی اقتصادی-اجتماعی اواسط و اواخر قاجار ارائه کنند، بهره‌گیری شده است. مراجعه به نقشه‌های تاریخی نیز به تکمیل تفسیرها و استدلال‌ها کمک کرده است.



تصویر شماره ۱. مدل تحقیق (ترسیم: نگارنده)

۱. تحولات اقتصادی جهان مقارن با حکومت قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ش)

پیدایش نظام سرمایه‌داری غرب را می‌توان از تغییر شیوه تولید در دوران قرون وسطای اروپای غربی به حساب آورد نه از پیدایش تجارت یا مردمان سرمایه‌دار ثروتمندی که خود مستقیماً وابسته به تولید بودند. به شهادت تاریخ، تولید این دوران در نیمه دوم قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷م، در کشور انگلستان صورت گرفته است، آن هنگامی که سرمایه‌داری در انگلستان در سطحی قابل مقایسه به گسترش شیوه‌های نوین تولید و رخنه در مبانی فئودالی پرداخته و دوران تکامل و ترقی آن در این کشور از دو نقطه عطف تاریخی عبور می‌کند. (محمدعلی علی‌زاده) توجه به علم و حمایت از دانشمندان و سرمایه‌گذاری بر روی محصولات فکری و اختراعات تولیدی آنان که از رُئسانس آغاز شده بود، در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی دیگر شکلی نهادینه یافته بود؛ بنابراین تنوع گسترده محصولات صنعتی در کنار روش‌های تولید انبوه آنان، فرصت را برای تولید هرچه بیشتر و راه‌اندازی انقلاب صنعتی فراهم کرده بود. از سوی دیگر بهبود سطح بهداشت عمومی و اکتشافات دنیای پزشکی امکان غلبه بر بسیاری از بیماری‌های کشنده سال‌های پیش را فراهم کرد؛ بنابراین دیگر خبری از همه‌گیری‌هایی چون طاعون ۱۶۶۶-۱۶۶۵م، لندن نبود. این مسئله در کنار توجه بیشتر به تولید زراعی، منجر به افزایش قابل توجه جمعیت اروپا شد. درحالی‌که میانگین نرخ رشد جمعیت در قرن ۱۸ به ۰.۴ درصد رسیده بود، با جهشی قابل توجه در قرن ۱۹ به ۰.۶ درصد افزایش یافت (Piketty, ۲۰۱۴, ۵۶). این نرخ از رشد جمعیت هم در کوتاه‌مدت و هم در درازمدت توانست تأثیر قابل توجهی بر جمعیت اروپا بگذارد. به‌خصوص که عدد یادشده تنها میانگینی از نرخ رشد را ارائه می‌دهد. باید دانست این نرخ در سال‌های منتهی به انقلاب صنعتی رقمی به مراتب بالاتر را شامل می‌شد. افزایش چشمگیر جمعیت، بستر مناسب را برای رشد تولیدات و انقلاب صنعتی

فراهم آورد. اروپای به شدت نیازمند نیروی کار، سرمایه انسانی ضروری اش را از جمعیت روبه گسترش فراهم کرد و با تمرکز کارخانه‌ها و مراکز تولید صنعتی در اطراف شهرهای بزرگ به روند شتابان مهاجرت از روستاها به شهرها، سرعتی مضاعف بخشید.

توجه به نرخ رشد اقتصادی نیز می‌تواند دید بهتری نسبت به وضعیت اروپا و در مقیاس کلی‌تر، جهان به دست بدهد (به خصوص که هنوز آمریکا به شکل جدی وارد صحنه اقتصادی-سیاسی نشده بود و آسیا و آفریقا نیز هنوز مشغول برداشتن گام‌های ابتدایی بودند). در حالی که نرخ رشد اقتصادی پیش از انقلاب صنعتی با تقریبی مناسب قابل چشم‌پوشی است (درواقع کمتر از ۰.۱ درصد) این رقم در سال‌های بین ۱۸۲۰ تا ۱۹۱۳م، به‌طور میانگین به ۱.۵ درصد می‌رسد. رقمی که هرچند با فراز و فرودهایی همراه است؛ اما در ربع چهارم انتهای قرن نوزدهم روندی شتابان‌تر می‌گیرد (همان). بدین ترتیب اقتصاد اروپا در مسیری گام برمی‌دارد که اقتصاد پولی در آن روزبه‌روز نقش مضاعفی پیدا می‌کند. ارزش‌های اخلاقی مسیحی اگرچه نابود نشده‌اند؛ اما روزبه‌روز در حال کم‌رنگ‌تر شدن هستند و ارزش‌های جدیدی جایگزین آن‌ها می‌شوند که براساس پول شکل گرفته‌اند. «اقتصاد پولی، مدام میان شخص و شیئی خاص ارزش پولی را حائل می‌کند؛ ارزشی که کاملاً عینی و ذاتاً فاقد هرگونه کیفیت است. این اقتصاد با واسطه شدن میان شخص و دارایی، فاصله گرفتن آن‌ها را از یکدیگر سرعت می‌بخشد و عناصر شخصی و محلی را که قبلاً به شدت وابسته به یکدیگر بودند، چنان از یکدیگر جدا می‌کند که شخص بتواند درآمد حاصله از آفریقای جنوبی را در برلین دریافت کند.... پول در مالکیت اقتصادی، جنبه‌ای غیرشخصی به وجود آورد که قبلاً ناشناخته بود؛ به همین نسبت سبب عدم وابستگی و استقلال روزافزون شخصیت شد و رابطه شخصیت با جمعیت‌ها نیز به همین گونه تحول پیدا کرد.» (ریاضی به نقل از زیمل، ۱۳۷۳: ۳۲۷).

این دوره همچنین با وقوع انقلاب‌های متعددی همراه است. دوره‌ای که همزمان با روی کار آمدن ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴ق) در ایران همراه است. ناامیدی آزادی‌خواهان جهانی و گسترش آرمان‌های ملی دست به دست هم دادند و زمینه را برای شورش و انقلاب فراهم کردند. در بیشتر کشورهای اروپایی انقلاب‌هایی روی داد و نظام‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری از آنان از قبیل فرانسه، اتریش و آلمان تغییر یافت. در نتیجه حکومت‌های استبدادی و مطلقه تاحدودی تعدیل شدند (سعیدی‌نیا، ۱۳۸۳: ۹۷). آثار انقلاب صنعتی رفته‌رفته چهره خود را نشان داد و ضمن ایجاد نابرابری‌های اقتصادی که نمود واضح آن را می‌توان در دستمزدهای پایین کارگران، ساعات کار زیاد، سطح پایین رفاه اجتماعی و اختلاف طبقاتی بالا جستجو کرد، در مقیاس خارجی نیز روند تهاجمی دولت‌های غربی را ایجاد کرد. افزایش نیاز به صدور سرمایه، دولت‌های قدرتمند اروپایی را در پی یافتن کانال‌های جدید سرمایه‌گذاری از راه استعمار مناطق ضعیف‌تر به تکاپو انداخت. به همین علت از سال ۱۸۸۵ اصلاحات منطقه نفوذ در اوپا پیدا شد و در پیمان برلین کشورهای قوی حق نفوذ در کشورهای ضعیف را به رسمیت شناختند. (همان) علاوه بر مسئله تأمین مواد اولیه ضروری (طبعاً به شکل ارزان و بلکه رایگان) باید بازارهای مصرفی نیز در سایر کشورها جستجو می‌شد؛ چراکه اساساً نیازهای داخلی اروپا نمی‌توانست جوابگوی حجم تولیدات عظیم کارخانه‌ها باشد؛ بنابراین اهداف اقتصادی ابتدایی مسئله خیلی زود به

جنبه‌های سیاسی و اجتماعی نیز تسری یافتند و متعاقب آن، هم با تغییر در سبک زندگی و هم با دگرگونی نظام‌های اقتصادی کشورهای هدف، موجبات دگرگونی در سیما و کالبد شهرها را فراهم کردند.

۲. وضعیت اقتصادی ایران در دوره قاجار (۱۱۷۵-۱۳۰۴ش/۱۷۹۴-۱۹۱۳م)

دوره سلطنت قاجار که از واپسین سال‌های قرن هجدهم آغاز گشت و تا اوائل قرن بیستم ادامه یافت (۱۷۹۴-۱۹۱۳ م.) یکی از پرفرازونشیب‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران است که هنوز هم می‌توان آثار آن را در زندگی امروز ایرانیان مشاهده کرد. این دوره از یک سو بر سنت‌های پیشین به‌خصوص تجربه طولانی مدت صفویان - اصرار می‌ورزد و از سوی دیگر به دلیل فرتوت شدن سامانه حکومتی و مجموعه عواملی که از آن تحت عنوان «فساد حکومتی» یا «فقدان توان اداره کشور» یاد می‌شود، سررشته بسیاری از امور از عهده زمامداران خارج می‌شود و کشور را به مجموعه‌ای هرج و مرج‌ها، بی‌عدالتی‌ها و سوءتدبیرها سوق می‌دهد. باین‌حال، آن‌چه به تشدید این عوامل می‌پردازد و باعث می‌شود تا شکست‌های این دوره جلوه برجسته‌تری پیدا کند، تحولاتی است که در سطح جهان در حال رخ دادن است (Foran, 1989, 9). به‌رغم این فرآیند فرساینده، جلوه‌هایی از تحول در ساختار اقتصادی نیز در مناطقی از کشور ایجاد شد. جدول شماره (۱) گوشه‌ای از این تحول را ترسیم کرده است.

جدول ۱- تأسیسات رشت در دوره‌های مختلف - افزایش چشمگیر دکان‌ها و کاروان‌سراها حاکی از رونق گرفتن تجارت و ورود جریان‌های سرمایه‌ای به شهر دارد. (مأخذ: هادی‌نژاد، ۱۳۹۲)

۱۸۵۹ ملگنوف	۱۸۸۵، میرزا محمدحسین فراهانی	۱۹۰۷، رایینیو	
محلته ۱۴	محلته ۷	محلته ۷	محلته
باب ۲۲	باب ۳۵	باب ۴۰	مساجد
باب ۳۶	باب ۱۶	باب ۳۶	تکایا
باب ۶	باب ۹	باب ۶	مدارس
باب ۱۰۲۱	باب ۳۰۰۰	باب ۳۳۰۰	دکان
باب ۱۷	باب ۱۷	باب ۳۵	حمام
در دست نیست.	۲۲ کاروان‌سرا	۴۵ کاروان‌سرا	کاروان‌سرا

دولت‌های استعمارگر روسیه و انگلیس تمام تلاش خود را برای نفوذ بیشتر به ساختارهای سیاسی-اقتصادی ایران انجام دادند و در این راه از استفاده نیروی نظامی ابایی نداشتند. شاید واضح‌ترین مثال جنگ‌های ایران و روسیه باشد که به انعقاد عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای منجر شد. انعقاد این دو عهدنامه تأثیر مهمی بر رویکردهای اقتصادی و اجتماعی دولت گذاشت. اصلاحات عباس‌میرزا ولیعهد و پس از وی قائم‌مقام فراهانی و امیرکبیر زمینه‌ساز دوره‌های بعدی پیشرفت و دگرگونی در عرصه‌های اجتماعی و حتی سیاسی (مشروطه) شد. به همین خاطر می‌توان وضعیت اقتصادی ایران را در دوره قاجار به سه قسمت تقسیم کرد که هرکدام با رویدادی تأثیرگذار از دوره پیشین یا پسین

خود جدا می‌شود. طبیعی است این دسته‌بندی می‌تواند محل مناقشه قرار گیرد اما به‌کارگیری آن بی‌شک موجب منظم‌شدن روند بحث و درک صحیح‌تری از توالی اتفاقات خواهد شد:

دوره اول آغاز سلطنت قاجار تا معاهده ترکمانچای (۱۸۲۸-۱۷۹۵) است. این دوره را می‌توان دوره ثبات نسبی دانست. انقلاب صنعتی در اروپا هنوز آغاز نشده یا در مراحل ابتدایی خود به سر می‌برد. جریان‌های خارجی هنوز در صحنه اجتماعی-اقتصادی کشور اثرگذاری چشم‌گیری ندارند و تجارت و تولید کماکان براساس شیوه‌های پیشین به کار خود ادامه می‌دهد. تجارت ایران با اروپا از طریق مناطق مرزی و بنادری چون انزلی صورت می‌گیرد و از رونق مناسبی برخوردار است. به‌طور مثال گیلان به سبب موقعیت جغرافیایی خود، در طول قرن نوزدهم و بیستم تماس نزدیک و دیرپایی با جهان توسعه‌یافته‌تر پیدا کرد (هادی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۸۵) هرچند که زمینه‌های آن در دوره شاه عباس اول ایجاد شده بود. استقرار سلطنت قاجار در این دوره به ثبات تجارت و امنیت آن کمک کرد؛ اما با گسترش ستیزها با روسیه پیوندهای اقتصادی پیشین گسست، تا آن‌جا که بر اثر عهدنامه گلستان، شکوفایی روبه‌رشد اقتصادی گیلان رو به نابودی رفت (هادی‌نژاد به نقل از پرتو، ۱۳۷۹: ۵۰۶). مثال گیلان از آن جهت بااهمیت است که در کنار تبریز (مسیر خوی-ارزروم) دروازه‌های اصلی تجارت ایران با دنیای غرب محسوب می‌شدند؛ بنابراین می‌توان گفت که یکی از چشم‌گیرترین ویژگی‌های تاریخ شهرنشینی ایران در قرن نوزدهم این بود که هیچ‌یک از بنادر آن به رشد قابل ملاحظه‌ای دست نیافتند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۹).

دوره دوم از معاهده ترکمانچای تا دوران اعطای امتیازها (حدود ۱۸۷۰-۱۸۲۸) است. ویژگی اصلی این دوره را می‌توان به استقرار نسبی امنیت و رواج تجارت دانست. ضمن اینکه هنوز سازمان تولید داخلی مشغول مقاومت در برابر ورود جریان‌های کالا و سرمایه از غرب است. به لحاظ سیاسی بخشی از سلطنت فتحعلی‌شاه، تمام سلطنت محمدشاه و حدود نیمی از سلطنت ناصرالدین‌شاه در این دوره قرار می‌گیرد. حضور امیرکبیر به‌عنوان صدراعظم فرصت انجام اصلاحات قابل توجهی را فراهم آورد. علاوه بر تأسیس دارالفنون، روزنامه وقایع‌التفاقیه و تلاش برای اصلاح نظام سیاسی و افزایش آگاهی مردم، وی سازمان اقتصادی روبه‌زوال را نیز از نظر دور نداشت. آزادی استخراج معادن برای اتباع ایرانی (هرچند که هنوز زیرساخت‌های لازم برای اجرای عملی آن فراهم نگشته بود) و لغو آیین سیورسات از جمله اقداماتی بود که مورد اخیر تأثیر مهمی بر افزایش تولید کشاورزی داشت (آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۱۴). تجارت خارجی نیز در این دوره رونق گرفت؛ به‌خصوص بعد از جلوس ناصرالدین‌شاه که بر اثر بهبود روابط ایران با روسیه، تجارت از نفس‌افتاده گیلان دوباره احیا و دفاتر تجاری متعددی در شهرهای آن دایر شد. (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۵).

دوره سوم از دوران اعطای امتیازها تا پایان سلطنت قاجار (۱۹۲۵- حدود ۱۸۷۰) است. با افزایش روند تهاجمی جریان‌های سرمایه‌دار خارجی برای تصرف هرچه بیشتر بازار و منابع طبیعی کشور، این دوره را که شروعش مقارن با اواسط سلطنت ناصرالدین‌شاه است، می‌توان دوران اعطای امتیازهای اقتصادی دانست. امتیازهایی که به‌هیچ‌وجه اثراتشان محدود به جنبه‌های اقتصادی نماند و به شکلی بی‌سابقه نهادهای سنتی چون روحانیت را در مقابل دولت قرار داد و به کنش‌های سیاسی شدیدی منجر شد که نتیجه آن را می‌توان در انقلاب مشروطه به‌وضوح مشاهده کرد. شیلات، بنادر، معادن، نظام بانکی، منابع طبیعی و آثار باستانی به‌راحتی طی قراردادهایی به اتباع و دولت‌های خارجی واگذار شد. این دوره را همچنین می‌توان دوره تلاش‌های بازرگان‌های ایرانی برای رسیدن به سطحی از سرمایه‌داری

ملی دانست. احداث کارخانه‌های ایرانی در رقابت با نمونه‌های خارجی و تلاش بازرگانانی چون حاج امین‌الضرب برای متقاعد کردن ناصرالدین‌شاه به منظور احداث بانکی ملی، هرچند که سرانجامی نیافت و با شکست‌های متعدد همراه بود؛ اما شاهدهی بر این مدعاست که حداقل بخشی از جریان اقتصادی کشور تمایل به سوی تولید صنعتی را آغاز کرده بود. با این همه اتفاقی که شروع آن را می‌توان از حدود ۱۸۸۰ جستجو کرد. گویی بسیاری از سرمایه‌داران به این نتیجه رسیده‌اند که توان رقابت با رقبای خارجی خود را ندارند. به این ترتیب تولید صنایع دستی و محصولات زراعی با افت چشمگیری مواجه شد و به کاهش شدید صادرات و افزایش واردات انجامید. در واقع «مناسبات سرمایه‌داری در ایران در دامن نظام سنتی زمین‌داری زاده شد و کمابیش همساز با حاکمیت استبدادی رشد یافت و جریان گسترش نیز قبل از آنکه بر اثر فعل و انفعالات و ستیز و برخوردهای درونی نیروها و طبقات موضع استواری پیدا کند، با موانع ناشی از سلطه سیاسی اقتصادی قدرت‌های استعماری بر کشور، هرج و مرج و ایستایی اجتماعی و سرانجام ناهماهنگی‌های ساختارهای داخلی مواجه شد. در مجموع سرمایه‌داری بومی به مسیر سرمایه‌داری خارجی کشانده شد و بیشترین گسترش را در قلمرو بازرگانی و خدمات به دست آورد.» (علی‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

هرچند افزایش جمعیت از مشخصات این دوره به حساب می‌آید؛ اما با جمعیت حدوداً ۶ میلیون نفری در ۱۸۰۰ و جمعیت ۱۰ میلیونی در ۱۹۱۴ (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۰) نرخ رشدی کمتر از ۰.۵ درصد (۰.۴۵ درصد) به دست می‌آید. این رشد آن قدر زیاد نیست که بتواند دوران جدیدی از تولید را رقم بزند. نرخ بالای بهره که به‌طور معمول ۲۴ درصد بود و به ۳۰ درصد می‌رسید (عیسوی به نقل از دوگوبینو، ۱۸۵۹: ۴۰۴-۳۹۲) نشان از این دارد که در معادله دو متغیره کار/سرمایه، این سرمایه است که دست بالا را در رشد اقتصادی داراست. به‌خصوص که به گزارش دوگوبینو ساعت‌های کاری زیاد (همچون دوره معاصرش در اروپا) در ایران محلی از اعراب ندارد. مجموع این عوامل به افزایش شکاف‌های طبقاتی و رشد گروهی (نه الزاماً طبقه) از سرمایه‌داران انجامید که ثروت خود را نه از راه تولید که از روش‌های ناسالم رانت و دلالی به دست آورده بودند. به‌طوری‌که تا سال ۱۸۸۰ در ایران تنها چند میلیونر و ملاک ثروتمند وجود داشت اما تنها بیست سال بعد این رقم به صدها نفر رسید که با تلنبار کردن تولیدات انبارها، به‌طور مصنوعی قیمت‌ها را بالا می‌بردند (همان به نقل از عبدالله‌یوسف، ۱۹۶۳). بدین ترتیب این دوره مجموعه‌ای است پرفرازونشیب که برآیند آن اعطای امتیازات خارجی، نفوذ هرچه بیشتر دولت‌های استعمارگر چه در قالب تسلط بر منابع ملی و چه در تسخیر بازارهای داخلی، گسترش شهرنشینی و مهاجرت‌ها به تهران (به دلیل آسیب سازمان تولید کشاورزی و روستایی)، آشوب‌های متعدد (قیام‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۷۴ رشت، شورش اصفهان، اعتصاب‌های بازار تهران، وقایع مشروطه، تصرف تبریز توسط قوای روس در ۱۹۰۹ و...) و رواج فعالیت‌های سوداگرانه کالا و زمین است که مورد اخیر در ادامه بیش‌تر بررسی خواهد شد.

۳. تحولات معماری و شهرسازی ایران در دوره قاجار

از آغاز حکومت قاجار تا سال‌های میانی سلطنت ناصرالدین‌شاه را می‌توان در امتداد معماری و شهرسازی دوره‌های پیشین، یعنی صفویه و زندیه دانست. معماری هنوز بر روال سنتی، یعنی توسط استادکار و شاگردانش شکل می‌گیرد

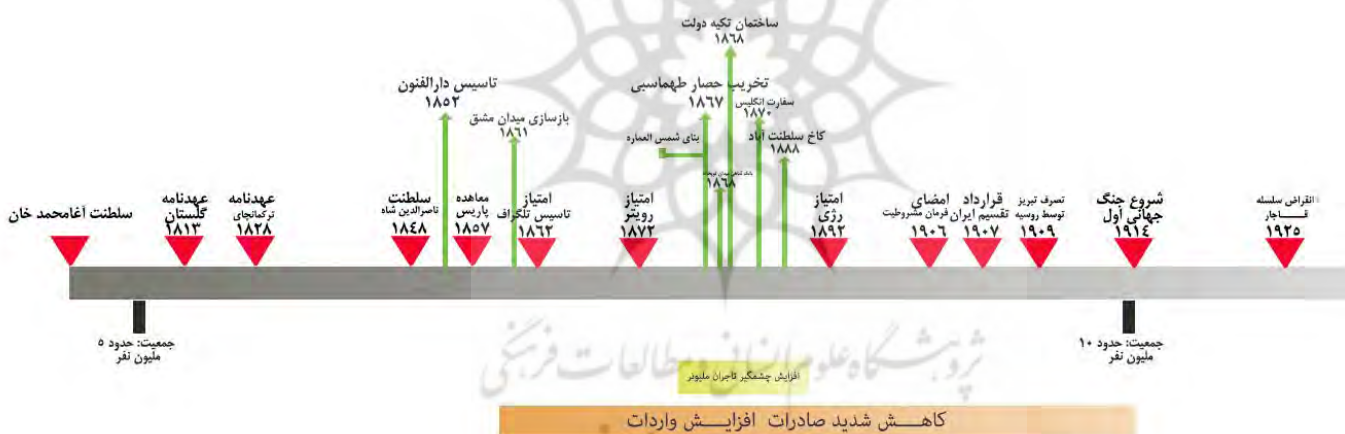
که آن‌ها نیز به منابع بومی و دانش منتقل شده طی نسل‌ها تکیه دارند. اما افزایش تبادلات فرهنگی میان ایرانیان و غربی‌ها رفته‌رفته فرصت را برای ورود افکار و شیوه‌های جدید هموار کرد. عوامل زیر را می‌توان در تحولات معماری و شهرسازی این دوره مؤثر دانست: ۱- آمد و شد هیئت حاکمه به اروپا، حضور کنسول‌گری‌های ایران در کشورهای اروپایی و منطقه نظیر ترکیه و مصر؛ ۲- دگرگونی‌های سازمان کهن‌زیست و تولید و همخوان شدن با نظام اقتصاد جهانی؛ ۳- ضعف بیان و زبان معماری و شهرسازی و گویش متنی آن؛ ۴- معماران تحصیل‌کرده ایرانی در خارج از کشور و حضور معلمان معماری اروپایی در دارالفنون و جاهای دیگر؛ ۵- ورود کالسکه و لوکوموتیو به سیستم حمل‌ونقل شهری و بین‌شهری (افشار اصل و خسروی). نقش تهران به‌عنوان پایتخت در نمود این تغییر و تحولات بسیار پررنگ است. حتی می‌توان گفت درحالی‌که تهران دوران نوگرایی خود را آغاز کرده بود و بسیاری از نمودهای غربی در آن قابل ردیابی بود، دیگر شهرهای ایران، حداقل آن‌هایی که در مسیرهای تجاری یا بازرگانی یا حضور مستقیم خارجیان قرار نداشتند، نظیر کرمان، کماکان از الگوهای سنتی به سامان‌دهی محیط پیرامونی‌شان می‌پرداختند. با اینکه «بافت شهر و سازمان فضایی تهران در سراسر قرن ۱۹ از نظر ساختن و ماهوی با شهر دوره صفویه تفاوت عمده‌ای نشان نمی‌دهد» (حبیبی، ۱۳۷۱: ۱۲۱)؛ اما نشانه‌ها به‌راحتی قابل جستجو هستند. شاید یکی از اتفاقات مهم شهرسازی که برآیند نیروها و خواست‌های جدید را به شکلی بهتر به نمایش می‌گذارد، تخریب حصار طهماسبی تهران و توسعه آن در ۱۸۶۷ میلادی است. این اتفاق در کنار تأثیرات کالبدی خود دارای وجهی نمادین است که خصوصاً با الهام‌پذیری از الگوهای باروک در شهرسازی، تأثیرپذیری از اروپاییان را به‌خوبی به نمایش می‌گذارد. همچنین جداسازی عملکردها از میدان و اختصاص هر کدام به قشر خاصی از جامعه، نظیر میدان توپخانه، بهارستان، مشق و ارگ بر تفاوت‌های این دوره با دوره‌های پیشین تأکید دارد (افشار اصل و خسروی، ۱۳۹۲: ۱۲۴). ورود ساختمان‌هایی با عملکردهای جدید نیز حاکی از تغییرات مناسبات اجتماعی دارد. ساختمان‌هایی که حتی آن‌ها را می‌توان در داخل محوطه سلطنتی نیز جستجو کرد، نظیر شمس‌العماره که با داشتن برج ساعت، ارتفاع و طراحی خاص، عملاً در معماری پیشین ایران مشابهی ندارد و باید آن را با نمونه‌های خارج از ایران سنجید. این روند در اواخر سلطنت قاجار زمینه را برای ورود مدرنیسم و شیوه‌های غربی فراهم ساخته است. دارالفنون، قصر دوشان‌تپه، قصر فیروزه، عمارت نظامیه، کاخ سلطنت‌آباد، عمارت باغ‌فردوس، میدان اسب‌دوانی، خانه نظام‌الملک و تکیه دولت شاخص‌ترین بناهایی هستند که در تهران می‌توان از آن‌ها به‌عنوان نمود تغییر در شیوه‌های معماری نام برد (قبادیان، ۱۳۸۳: ۵۷).

۴. ارتباط متقابل شرایط اقتصادی و جریان‌های سرمایه با معماری و شهرسازی ایران

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ارتباط سرمایه با معماری و شهرسازی را می‌توان از دو جنبه بررسی کرد: یک تأثیر موارد مذکور بر سطح کلی اقتصاد جامعه و همین‌طور ظهور طبقه سرمایه‌دار که با ایجاد ساختمان‌هایی با عملکرد جدید، فضاهای شهری و معماری جدیدی را خواستار می‌شده‌اند و دومی تأثیری که جریان‌های سرمایه‌داری خارجی با ورود خود به ایران بر سایر بخش‌ها اعم از فرهنگ (مشخصاً سبک زندگی و الگوهای مصرف) و تصویر ذهنی معماران و خواسته‌های کارفرماها می‌گذاشتند. مطمئناً تأثیر عامل دوم است که حتی شخصی چون ناصرالدین‌شاه را در مقام

پادشاه کشور به ساخت بناهایی چون شمس‌العماره تشویق می‌کند و درباریان و شاهزادگان را در ساخت ساختمان‌های شخصی خود به استفاده از الگوهای غربی سوق می‌دهد.

البته میان این دو عامل می‌توان ارتباطی متقابل نیز یافت؛ چراکه سرمایه‌داری به‌خصوص نمونه خارجی آن، خود نیاز به عملکردهای جدیدی را ایجاد می‌کرد و این عملکردهای جدید نیز خود بر سطح عمومی فرهنگ و انگاره‌های مردم تأثیرگذار بود. حبیبی نیز با بیانی دیگر این دو عامل را به شکلی دیگر صورت‌بندی می‌کند: «... عوامل درونی که ریشه در رقابت پادشاهان قاجار در ساختن شهری همچون اصفهان و پایتخت صفویه داشت و عوامل بیرونی که سه بردار عمده آن عبارت بود از: اول، تمایل پادشاهان قاجار به‌خصوص ناصرالدین‌شاه به ساختن شهری شبیه آن‌چه در سفرهای خود به فرنگ دیده بود. دوم، تلاش اقشار نوپای سرمایه‌داری تجاری در ساختن شهری که توانایی پذیرش روابط جدید قدرت را در فضای کالبدی خود داشته باشد و سوم، کوشش افرادی چون میرزا تقی‌خان امیرکبیر و میرزا محمدحسن‌خان سپهسالار که درصدد ایجاد سازمان دیوانی جدید و آموزش افرادی بودند که بتوانند این نظام جدید را پاسخگو کنند.» (حبیبی، ۱۳۷۳: ۱۴۰).



تصویر شماره ۲. نمودار مقایسه تطبیقی شرایط اقتصادی-سیاسی و تحولات معماری و شهرسازی (ترسیم: نگارنده، با استفاده از قبادیان،

۱۳۸۳)

مسئله دیگری که نباید از نظر دور داشت، افزایش جمعیت به‌طور کلی و افزایش جمعیت شهرهای بزرگ به‌طور خاص است که بخشی از آن نیز ناشی از مهاجرت‌هایی است که روستاییان و بعضاً عشایر به آن‌ها دارند. تغییر در ترکیب جمعیتی شهر تهران و شکل‌گیری طبقه جدیدی از کارگران صنعتی که احتمالاً دیگر وابستگی فضایی به محل کار خود نداشته‌اند، خود مقوله‌ای است که باید به‌طور جداگانه بدان پرداخت (ریاضی، ۱۳۸۹: ۱)؛ بنابراین ترجیح داده می‌شود که به مسئله جمعیت و ترکیب‌های جمعیتی آن در ذیل عامل اول پرداخته شود؛ چراکه در واقع این تغییر در

شیوه زندگی است (خواه به دلیل بالا رفتن سطح بهداشت یا ترجیحات اقتصادی و فرهنگی برای مهاجرت) که در ترکیب جمعیتی شهرها تغییر ایجاد می‌کند.



تصویر شماره ۳. بانک شاهی و دروازه خیابان چراغ گاز (قبادیان برگرفته از آرشیو میراث فرهنگی)

آغاز دوره امتیازدهی‌های خارجی خبر از نفوذ روزافزون دولت‌های خارجی در بازار و دستگاه حاکم‌ه‌ی کشور می‌داد. تجارت خارجی برای شکوفاشدن نیازمند راه‌های مناسب بود؛ مشکلی که در سراسر قرن نوزدهم میلادی به شکلی جدی مانع از گسترش تجارت ایران با کشورهای همسایه می‌شد. به‌طور مثال وضعیت راه‌های گیلان به عنوان یکی از بنادر مهم تجارت خارجی، در سرتاسر نیمه اول قرن نوزدهم و حتی سال‌های پس از آن وضعیت اسفناکی داشت به شکلی که گاهی اوقات خود اتباع خارجی ناچار به صرف هزینه‌هایی برای تعمیر آن می‌شدند. این مسئله درباره راه‌های سایر نقاط کشور نیز صادق بوده و دولت مرکزی یا حکومت‌های محلی علاقه چندانی به تعمیر و مرمت آن‌ها نداشته‌اند (هادی‌نژاد، ۱۳۹۲ و عیسوی، ۱۳۶۲) از طرف دیگر با ورود کالاهای خارجی، فروش کالاهای ایرانی دچار مشکل شد (اشرف، ۱۳۵۹: ۹۳-۹۰). بدین ترتیب با بهبود شرایط حمل‌ونقل ایران در فاصله سال‌های ۱۹۱۴-۱۸۹۰م، زمینه برای نفوذ هرچه بیشتر مالی و سیاسی دولت‌های خارجی فراهم شده بود. این اتفاق ایران را به اقتصاد بین‌المللی نزدیک ساخت؛ اما درعین حال در موقعیتی رخ داد که صادرات ایران به دلیل گسست ساختارهای تولیدی دچار رکود شده بود. بسیاری از کارخانه‌های تأسیس‌شده توسط سرمایه‌داران داخلی و در بعضی موارد سرمایه‌داران خارجی دچار رکود یا ورشکستگی شده بودند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چنین تغییراتی در اوضاع اقتصادی چه تأثیری بر شهرسازی قرن نوزدهم ایران داشت؟ مثال کرمان به‌عنوان سندی تاریخی می‌تواند درک بهتری از این مسئله به دست دهد. این شهر که اقتصادی غیرصنعتی داشت و مبتنی بر هسته سنتی مسجد جامع، بازار و ارک بود، ناگهان با دستوری سیاسی که خواستار جمع‌آوری مالیات‌های گسترده و توسعه‌ی شهر از شمال و شرق بود، دگرگونی‌های چشمگیری را در ساختار سنتی خود که شامل محلات متشکل از خانه‌های خودانگیخته (ارگانیک) با معابر باریک و بن‌بست می‌شد، تجربه کرد. دیوارهای کهن شهر با خاک یکسان شد و بسیاری از گورستان‌ها و مقابر قدیمی که سابقاً شهر را در منگنه گذاشته و مانع از توسعه آن بود، ویران شدند. جمعیت کرمان در نیمه اول قرن بیستم از ۴۰ هزار نفر به ۶۰ هزار نفر رسید. با

اینکه تعداد متناهی از زمین‌داران و تجار آن به تهران کوچ کرده بودند، حومه جدید شهر تا آن سوی دیوارهای کهن آن کشیده شد و قیمت زمین در خلال این گسترش بسیار پایین و جمعیت خانه‌های جدید کم بود؛ در نتیجه از محلات پیچ‌درپیچ و سردرگم شهرهای غیرصنعتی اسلامی در ساخت جدید حومه شهری خبری نبود (عیسوی به نقل از عبدالله‌یوسف، ۱۹۶۳: ۸۴-۹۹). نتیجه آن بود که از اهمیت مسجد در شهر کاسته شد و دیگر مسجد کانون حیات اجتماعی نبود. صنعت، بازرگانی و پیشه‌ها خودشان را از تنه مرکزی بازار رها کردند و این به تأسیس مغازه‌های جدیدی در خیابان‌های جدیدالتأسیس انجامید. از سوی دیگر با ازدست‌رفتن تسهیلات ارتباطی و امنیت پایگاه طبقاتی بالا، آن‌ها از مرکز شهر به حومه‌ها کوچ کردند. (همان) بدین ترتیب مغازه‌ها و دفاتر در کنار خیابان‌های جدیدالاحداثی ساخته شدند که اساساً کارکردی جز این نمی‌توانسته‌اند داشته باشند و درواقع هر دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

مثال کرمان از آن جهت حائز اهمیت است که شهر، نقش درجه اولی در مبادلات تجاری و بازرگانی ندارد؛ اما الگوهای زیست آن تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همین اتفاق با شدت و حدت بیشتری در تهران رخ داد. تخریب حصار تهماسبی و گسترش شهر به دروازه‌های دوازده‌گانه، زمین‌های بسیاری را وارد حصار شهر کرد؛ بنابراین چندان دور از ذهن نبود که طبقه اشراف نیز به محلات جدید نقل مکان کنند. «...ساکنان آن (عودلاجان) با اجاره‌دادن خانه‌های خود در محله چال میدان به این محله نقل مکان می‌کنند و بعد از مدتی نیز به سنگلج نقل مکان می‌کنند. به این ترتیب با بزرگ‌شدن تهران، ساکنان این محلات که اکثراً از اعیان بودند، به شمال تهران کوچ کرده و ساکنان غیربومی و کم‌بضاعت در محله عودلاجان ساکن می‌شوند.» (فدایی‌نژاد و کرم‌پور، ۱۳۸۵: ۶۶)؛ درحالی‌که سرمایه‌داران مشغول جابه‌جایی به نقاط شمالی شهر و ساخت‌وساز در آن بودند، صنایع در شهر و عموماً در بخش‌های جنوبی‌تر آن جای گرفته بودند. جالب اینجاست که سرمایه‌گذاران خارجی و ایرانی مکان‌یابی متفاوتی برای کارخانه‌های خود برمی‌گزیدند. از مجموع ۲۰ کارگاه متعلق به سرمایه‌گذاران ایرانی، تنها ۳۰ درصد در تهران مکان‌یابی شده، درحالی‌که سهم سرمایه‌گذاران خارجی در این زمینه فقط ۳ درصد یعنی یک کارخانه با ۵۰ کارگر (آن هم کارخانه‌ای روسی) است. علت این امر را باید در بازار مصرف تهران جستجو کرد. تقریباً تمام صنایع استقرار یافته در تهران را صنایع مصرفی تشکیل می‌داد. همین‌طور نزدیکی صاحبان صنایع به کانون قدرت نیز بر این مکان‌یابی مؤثر بود. (ریاضی، ۱۳۸۹: ۳)

جدایی اکولوژیکی نیز پدیده‌ای بود که معلول همین تغییرات بود. در جدایی اکولوژیکی، قشرها و گروه‌های ویژه شهری، با زندگی در محدوده معین (محله) و عدم تماس با سایر قشرهای شهری، موجب حاکمیت فاصله اجتماعی میان خانواده‌های شهری می‌شود و شهر را به قطعاتی تقسیم می‌کند که به علل فاصله فیزیکی و اجتماعی، هر قطعه با قطعه دیگر جدا شده‌اند (شکویی، ۱۳۶۵: ۳۰). در این محلات تعداد زیادی بنا با ساخت و عملکرد جدید ضمیمه شهر می‌گردند. علاوه بر سفارتخانه‌های خارجی، باغ‌ها و پارک‌های اعیانی (که در وهله اول خدمتگذار قشر سرمایه‌دار هستند) ساخته می‌شوند. نظیر پارک امین‌الدوله، باغ و عمارت مسعودیه، پارک اتابک، باغ حسن‌آباد، باغ و امارت امیریه و باغ و امارت منیریه (ریاضی به نقل از سعیدینیا، ۱۳۷۰: ۳۲۰). مجموعه این عوامل در کنار خیابان‌کشی‌های جدید تأثیر قابل‌اعتنایی بر کالبد و سیمای شهر می‌گذارد و نقش سرمایه را به‌عنوان محرک تغییرات و مولد آن مورد تأکید قرار می‌دهد.

حضور اتباع خارجی در ایران با آنکه قابل قیاس با کشورهای همسایه نیست و در مقیاس کوچک‌تری رخ می‌دهد؛ اما هم در تغییر فرهنگ و آشنا شدن جامعه با منابع تازه معماری موثر است و هم به سوداگری زمین دامن می‌زند. در سال ۱۸۵۱ بی‌نینگ تعداد اروپاییان مقیم تهران را محدود به اعضای معدود سفارت‌خانه‌ها و چند افسر خارجی می‌داند و در سال ۱۸۵۶ مونسی تعداد خارجیان مقیم تهران را حدود پنجاه نفر ارزیابی می‌کند. ولی در سال ۱۸۸۹ کرزن تعداد این افراد را پانصد نفر اعلام می‌کند (فشاهی، ۱۳۶۰: ۳۲). ابتدایی‌ترین تأثیر این حضور به لحاظ فضایی، معماری ساختمان سفارت‌خانه‌های خارجی است. در زمان قاجاریه، معماری ایران به خاطر ایجاد روابط سیاسی میان ایران و کشورهای اروپایی از دگرگونی غیرمترقبه‌ای برخوردار شد. از این تاریخ به بعد نخستین پایگاه‌های سیاسی شبه‌سفارتخانه‌ای در ایران به وجود آمد و اروپایی‌ها با ساختن سفارتخانه‌های خود به سبک بناهای اروپایی تأثیر زیادی در معماری ایران گذاشتند (رجبی، ۱۳۵۵: ۲۶).

اما جالب‌ترین توصیفات از شرایط دادوستد بازار زمین و مسکن در فاصله ۱۸۸۷ تا ۱۸۹۲ را فردی به نام میرزاحسن خان که مباشر میرزاحسین خان مبصرالسلطنه است، در رساله‌ای به نام مراسلات تهران به دست می‌دهد. وی که شرح اتفاقات مهم آن روز تهران را یادداشت‌برداری و نامه‌نگاری کرده، بارها به مشغولیت تعدادی از بازرگان‌ها و سرمایه‌داران به امر دادوستد زمین اشاره می‌کند. به‌طور مثال: «حوالی سفارت، حضرت اجلّ امین السلطان، باغی و قناتی برای آن احداث کرده که خیلی تعریف پیدا کرده است. اراضی اطراف روزبه‌روز در تحوّل و ترقی است. خیال کردم دو سه قطعه زمین خریده، داشته باشیم.» (اتحادیه و میرمحمدصادق، ۱۳۸۴: ۳۱). علاوه بر ورود جریان‌های سرمایه به شهر که با گسترش جمعیت و مهاجرت‌ها همراه بوده، عواملی نیز به تشدید این امر کمک می‌کند. از جمله خیابان‌کشی‌ها و احداث شبکه حمل‌ونقل عمومی است. وی در نامه‌ای دیگر به احداث راه آهن اسبی که از خیابان دروازه دولاب آغاز می‌شود، اشاره می‌کند و امیدوار است که خیابان‌کشی‌های جدید و ورود فرنگیان بر قیمت اراضی فوق‌العاده بیفزاید (همان: ۲۲۱). طرفه آن است که خانه‌ها به دو دسته «باب طبع فرنگی» و آن‌ها که «مطبوع طبع فرنگی» نیستند، تقسیم می‌شوند. حتی در موردی، عمارتی برای آنکه قابلیت اجاره یا فروش به طرف خارجی را داشته باشد، «اتاق سالن و تبدیلات ارسی و پنجره به درهای فرنگی و غیره در آنجا خرج» می‌شود. بدین ترتیب می‌بینیم که رواج بازار مسکن و خرید و فروش زمین درعین حال که تحت تأثیر تحولات شهرسازی جدید است، خود وجوه معمارانه‌ای را نیز به‌عنوان ارزش وارد دامنه بازار مسکن می‌کند که معادل آن را می‌توان در معماری نیز جستجو کرد.



تصویر شماره ۴. خیابان باب همایون (قبادیان، ۱۳۸۳)

نتیجه‌گیری

بخش‌های مختلف نظام اجتماعی در یک ارتباط متقابل با یکدیگر قرار دارند و تغییر و تحول در هر بخش کوچکی در دیگر بخش‌ها نمود پیدا می‌کند. مرور شرایط اقتصادی، سیاسی و تحولات صورت‌گرفته در وضعیت شهرها به‌طور همزمان و مطالعه تطبیقی آن‌ها، نشان از آن دارد که همراهی این تحولات با ورود سرمایه خارجی، باعث پیوند هرچه بیشتر مسائل کالبدی با زیرساخت‌های اقتصادی شده است که الگویی متفاوت از نظام سنتی پیشین نشان می‌دهد. این تحولات تاحدی است که عملاً به دگرگونی‌های جدی در معماری و شهرسازی این دوره منجر شده و مجموعه‌ای درهم‌آمیخته از شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در ارتباط با آن صورت‌بندی کرده است. اقدامات دولت در طرح خیابان‌های جدید که بستر لازم برای رشد سرمایه‌داری جدید فراهم ساختند و دگرگونی‌های مهمی را در کالبد و سیمای شهر به وجود آوردند، درعین حال که به‌مثابه بستری برای تحولات بعدی عمل کرده، خود زمینه‌ساز تغییرات در نگرش‌ها و سلايق نخبگان و عموم نیز شده است. درواقع همراهی این تحولات ساختاری با حضور روزافزون اتباع خارجی که شیوه به‌خصوصی از معماری مطلوب خود را رواج می‌داده‌اند، به شکل‌گیری نوعی از تبادلات فرهنگی میان ساکنین بومی شهرها و میسیونرها و سفرای خارجی منجر شده که هرچند در قدم اول به منظور رفع نیازهای عرضه و تقاضای حاکم بر بازار رخ داده، اما در ادامه جنبه‌ای درونی‌تر به خود گرفته و همراه با جریان نواحی و تجددخواهی به سایر سطوح جامعه اشاعه پیدا کرده است. هرچند در این مرحله نیز عملاً طبقه نخبگان با توان بالای اقتصادی پیشگام تجربه تحولات بوده‌اند.

مقایسه اتفاقات سیاسی-اقتصادی با بناهای شاخص معماری و تحولات شهرسازی نشان می‌دهد که با شدت گرفتن سرمایه‌داری و گسترش روزافزون تجارت، یا به بیان دیگر اتفاقی که کشور را روزبه‌روز به سمت وابستگی اقتصادی سوق می‌داد، بناهای مهم‌تری در مقیاس شهری ساخته می‌شوند و تحولات شهرسازی نیز اهمیت بیشتری می‌یابد. این مسئله از آن جهت می‌بایست مورد توجه قرار گیرد که بدانیم کشور پس از سال‌ها بی‌ثباتی و آشوبی که پس از انقراض صفویه تجربه کرده بود، نیاز به ثبات و سرمایه‌ای داشت که بتواند به سامان‌دهی اقتصاد بپردازد؛ امری که در کنار تغییر ترکیب جمعیتی، تاثیرات فرهنگی و خواسته‌های سیاسی شکل شهرهای ایران را تعیین کرد.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- اتحادیه، منصوره؛ میرمحمدصادق، سعید. (۱۳۸۴). *مراسلات طهران: نامه‌های مباشر میرزا حسین خان مبصر السلطنه از طهران به کاشان*. تهران: کتاب سیامک.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه*. تهران: زمینه.
- حبیبی، سیدمحسن. (۱۳۷۳). *از شار تا شهر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سالور، قهرمان میرزا. (۱۳۷۴). *روزنامه خاطرات عین السلطنه*. تهران: اساطیر.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*، مترجم یعقوب آژند، تهران: گستره.

مقالات:

- افشار اصل، مهدی؛ خسروری، محمدباقر. (۱۳۹۲). «معماری ایران در دوره قاجار، هنر و معماری» (۳۶): ۱۲۰-۱۳۸.
- پویان، حسن. (۱۳۴۴). «مقدمه‌ای بر سازمان اقتصادی ایران اوایل قاجار». نوشته: گوین همبلی. بورس (۲۰): ۳۷-۴۴.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۱). «شورا در ایران: نگاهی آسیب‌شناسانه». فصلنامه رفاه اجتماعی (۵): ۷۱-۱۰۲.
- خانپور، آرزو؛ آشوری، محمدتقی. (۱۳۸۸). «واردات شیشه در دوره قاجار»، پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی (۱): ۳۶-۱۲.
- ریاضی، ابوالحسن. (۱۳۸۹). «تأثیر تجدد بر سازمان فضایی شهر تهران در اواخر دوره قاجار»، تحقیقات فرهنگی ایران (۱۱): ۱۴۸-۱۲۹.
- سعیدی‌نیا، حبیب‌الله. (۱۳۸۳). «تاریخ روابط سیاسی، اقتصادی ایران و انگلیس در دوره ناصری (با تکیه بر حوزه خلیج فارس)»، تاریخ روابط خارجی (۲۱): ۸۹-۱۱۸.
- شاهدی، مظفر. (۱۳۹۰). «رقابت بانک شاهنشاهی ایران با صرافان و بازرگانان ایرانی در دوره قاجار». تاریخ روابط خارجی (۴۶): ۱۵۸-۱۲۹.
- شهواری، ابوالحسن. (۱۳۷۷). «بررسی اجمالی موانع رشد تجارت و شیوه‌های معامله در دوره قاجار». مسکویه (پیش شماره ۲): ۸۳-۱۰۰.
- صادقیان، نادعلی. (۱۳۸۹). «تأملی تاریخی و حقوقی بر قراردادهای نفتی ایران در عصر قاجار». گنجینه اسناد (۷۹): ۲۱-۶.
- علائی، سیروس. (۱۳۹۰). «اولین نقشه رسمی تهران»، بازگوی فرهنگ شهری ایران در سده نوزدهم ایران‌شناسی (۵۵): ۱۴۲-۱۲۰.
- علیزاده، محمدعلی. (۱۳۸۸). «تأثیرات اقتصادی نظام سرمایه‌داری غرب بر نظام ایلی عشیرتی ایران از عصر قاجار تا پایان دوره پهلوی اول». بررسی‌های نوین تاریخی (۲): ۱۰۵-۱۲۲.

- فدایی‌نژاد، سمیه؛ کرم‌پور، کنایون. (۱۳۹۶). «تحلیل اثر تغییرات کالبدی عناصر شاخص محله بر بافت عودلاجان». نشریه هنرهای زیبا (۲۸): ۶۵-۷۴.
- فرهادپور، مراد. (۱۳۹۳). «هگل افق تفکر ماست». اطلاعات حکمت و معرفت (۳): ۱۱-۱۷.
- قبادیان، وحید؛ رضایی، محمود. (۱۳۹۷). «نخستین میدان مدرن شهر تهران بررسی دگرگینی تاریخی-فضایی میدان‌های کهن تهران تا دوره مدرن». پژوهش‌های جغرافیای انسانی (۸۶): ۱۷۷-۱۹۶.
- مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۹۸). «شهر و تاریخ: دوره تکوین و شکل‌گیری تهران قدیم». جستارهای شهری (۲): ۱۳-۲۲.
- نادی، زهرا و همکاران. (۱۳۹۶). «رشد مناسبات اربابی و تاثیر آن بر زندگی کشاورزان در دوره قاجار». فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های تاریخی (۳۶): ۲۹۳-۲۷۷.
- هادی‌نژاد، فاطمه. (۱۳۹۷). «اوضاع اجتماعی و اقتصادی رشت در اوایل دوره قاجار تا انقلاب مشروطه». پژوهش‌های علوم انسانی (۲۴): ۷۳-۹۶.

Foran, J. (۱۹۸۹). The Concept of Dependent Development as a Key to the Political Economy of Qajar Iran (۱۸۰۰- ۱۹۲۵). Iranian studies, Vol ۲۲ (۲/۳): ۵-۵۶.

Piketty, T. (۲۰۱۴). Capital in the Twenty-First Century. Belknap Press: An Imprint of Harvard University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی